دفاعیه ژنتیکی و چالش های اخلاقی آن

دکتر عبدالحسن کاظمی[۱]
جمیله ملکوتی[۲]
دکتر محمود عباسی[۳]

چکیده

در مطالعات مربوط به ژنتیک رفتاری، شاخه ای تخصصی تحت عنوان «ژنتیک خشونت» به ارزیابی استعداد ژنتیکی افراد برای ارتکاب اعمال ضداجتماعی، خشونت آمیز و هنجار شکن می پردازد و برخی حقوقدانان و وکلای مدافع سعی در یافتن شواهدی ژنتیکی برای تمایل به موضوعی را دارد که از آن به عنوان «سرنوشت ژنتیکی» یاد می شود.

این افراد استدلال می کنند که هنجار شکنی و ارتکاب خشونت بوسیله موکلین آنها، ناشی از «سرنوشت ژنتیکی» و «فرامین ژنی» و بیولوژیکی بوده و آنان اراده ای برای عدم ارتکاب خشونت نداشته اند و نیت مجرمانه همانند سایر خلافکاران برای آنان قابل اثبات نمی باشد.

البته تا کنون این گونه دفاعیات در محاکم و بوسیله قضات یا هیات منصفه مقبول واقع نشده و جامعه شناسان، روانشناسان، علمای تعلیم و تربیت، جرم شناسان، فعالان اخلاقی و مجامع مذهبی و حتی علمای علم ژنتیک، تلاش طرفداران

۱- دانشیار و عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز
۲- مربی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز
۳- مدیر گروه اخلاق زیستی کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو و رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

«دفاعیه ژنتیکی» را، روشی برای مخدوش نمودن مجموع ارزشهای اخلاقی و مبانی مسئولیت مدنی جوامع انسانی و معیارهای حقوقی می دانند و مسلم است که موجه شمردن ارتکاب خشونت بر حسب سرشت و ژنتیک، به معنای عدم وجود اراده قابل کنترل در ارتکاب عمل بوده و در نهایت مستمسکی برای نفی مسئولیت مرتکبین اعمال ضد اجتماعی در قبال اعمال خود و خطری برای ارزش های اخلاقی و اجتماعی جامعه بشری خواهد بود.

واژگان کلیدی: ژنتیک خشونت، مسئولیت مدنی، اخلاق

مقدمه

در مطالعات مربوط به ژنتیک رفتاری، شاخه ای تخصصی تحت عنوان «ژنتیک خشونت» به ارزیابی استعداد ژنتیکی و ذاتی افراد برای ارتکاب اعمال ضداجتماعی، خشونت آمیز و هنجار شکن می پردازد (۴-۱) و سعی در یافتن شواهدی ژنتیکی برای تمایل به موضوعی دارد که از آن با عنوان «سرشت ژنتیکی» و یا «سرنوشت ژنتیکی» یاد می شود (۷- ۵).

بر پایه قرائن ضمنی و یافته های مطالعات ژنتیکی فوق، بعضی از حقوقدانان ووکلای مدافع سعی نموده اند که مسئولیت مدنی، کیفری، اجتماعی واخلاقی مرتکبین خشونت را در جوامع غربی نادیده گرفته و یا ناچیز فرض نمایند. این افراد استدلال می کنند که هنجار شکنی و ارتکاب خشونت بوسیله موکلین آنها، ناشی از« سرنوشت ژنتیکی» و «فرامین ژنی» بوده (۱۱-۸) و آنان اراده و اختیار چندانی برای عدم ارتکاب خشونت و پرهیز از تضییع حقوق دیگران نداشته اند، ضمن اینکه در ارتکاب اعمال ضداجتماعی نیز نیت مجرمانه همانند افراد

خلافکار ارادی و حرفه ای برای آنان متصور و قابل اثبات نمی باشد(۱۴-۱۲و ۱).

۱- سرشت ژنتیکی و مسئولیت ناشی از آن

طبق ضوابط قانونی، ارتکاب عملی بر خلاف قوانین مصوب و جاری و یا هنجارها و عرف اجتماعی، اگر با قصد و نیت و طراحی قبلی انجام گرفته باشد، جرم محسوب شده و مجازات پیش بینی شده بر مجرم و مرتکب عمل تحمیل می شود. از قصد و نیت و یا طراحی قبلی برای انجام و ارتکاب عمل خلاف، در عرف حقوقی با عنوان «عنصر معنوی جرم» و یا «قصد مجرمانه» یاد می شود و مفهوم آن این است که مرتکب عمل با قصد قبلی برای انجام عمل خلاف و با اراده وصول به هدف و نتیجه ناشی از ارتکاب آن عمل، مرتکب فعلی شده است که بر حسب ضوابط قانونی جرم شناخته می شود. بنابراین، متوسلین به زمینه و «سرشت ژنتیکی» برای توجیه ارتکاب اعمال خلاف بوسیله متهمین به ارتکاب جرم، استدلال می کنند که این افراد نه تنها برای ارتکاب اعمال خلاف، قصد و نیت ناشی از اراده آزادانه نداشته اند (۲۸-۲۶ و ۹ و ۴-۲) بلکه از ارتکاب آن اعمال هم، وصول به هدف مجرمانه مد نظر آنان نبوده است. لذا چهارچوب های حقوقی مدون و مقبول جوامع حقوقی و قضایی برای جرم شمردن اعمال خلاف آنان، بر رفتار و عملکرد این افراد قابل انطباق نمی باشد (۳۰-۲۹ و ۲۵ و ۱۵) و به تعبیری دیگر، رفتار و عملکرد این افراد در چهارچوب های احتساب عمل آنان بعنوان جرم قرار نمی گیرد زیرا آنان در انجام اعمال خود، مخیر نبوده و هدف مجرمانه ای را آزادانه و با اراده و اختیار خود تعقیب نمی کنند. از این نظر با مجرمین و یا متهمین مرتکب اعمال خلاف قانون که با نیت مجرمانه قبلی و

همچنین با هدف وصول به نتیجه عمل خلاف، مرتکب اعمال خلاف می گردنـد؛ تفاوت ماهوی دارند (۳۱ و ۱۰-۷ و ۵).

۲- دفاعیه ژنتیکی و استدلال موافقان

تا کنون دفاعیات ژنتیک در محاکم رسـمی و بوسـیله قـضات یـا هیـات منـصفه چندان مسموع ومقبول واقع نشده است ولی باید توجه داشت کـه مـدافعین ایـن گونه دفاعیات با بدست آوردن شواهد ضمنی بیشتری از بعضی تحقیقـات بـویژه در زمینه سوسیوبیولوژی[1] سعی در تحکیم مبانی نظری و حقـوقی شـیوه خـود را دارند (۳۱-۲۹ و ۱۹-۱۵ و ۴-۳). البته در این زمینه، جای بحـث مـستوفا وجـود دارد که آیا شواهد و قرائن و امارات ارائه شده بوسیله طرفـداران ایـن نظریـه، از استحکام و قوت و غنای کافی برخوردار نمی باشد؟ و یـا دلایـل مـتقن و متـیقن موجود علیه استدلالات و محتوای «دفاعیه ژنتیکی» از آن چنـان بـداهت شـرعی، عقلی، عرفی و اجتماعی برخوردار می باشد که نقص و نقـض آنهـا بـا مجموعـه محتوای «دفاعیات ژنتیکی» امکانپذیر نمی باشد. البته در این میان، احتمالی نیز در مورد عدم آشنایی و انس اذهان، اجتماع، جامعه حقوقی و قانونگزاری نـسبت بـه قدرت و نفوذ «سرشت ژنتیکی» در کنترل اعمال و رفتار و اراده انسانی از جانـب مدافعین و مطرح کنندگان «دفاعیه ژنتیکی» طرح می شود و بر این معنا تاکید مـی گردد که مستمعین، قضات، هیات های منصفه و ... به سبب عـدم وجـود سـوابق قضایی و دکترین های حقوقی در این مورد، به استدلالات و شواهد له «دفاعیـه ژنتیکی» توجه شایسته و بایسته نشان نمی دهند(۳۴-۳۱ و ۲۴ و ۲-۱).

1- Sociobiology

جامعه شناسان، روانشناسان، علمای تعلیم و تربیت، جرم شناسان، فعالان اخلاقی و مجامع مذهبی و حتی علمای علم ژنتیک، تلاش طرفداران «دفاعیه ژنتیکی» را، روشی برای مخدوش نمودن مجموع ارزشهای اخلاقی، مبانی مسئولیت مدنی و اجتماعی جوامع انسانی و معیارهای حقوقی می دانند (۲۷ و ۲۳ و ۵) و مسلم است که موجه شمردن ارتکاب خشونت بر حسب سرشت و ژنتیک، به معنای عدم وجود اراده قابل کنترل درارتکاب عمل بوده و در نهایت مستمسکی برای نفی مسئولیت مرتکبین اعمال ضداجتماعی در قبال اعمال خود خواهد بود (۲۵–۲۰). نفی مسئولیت قید شده در اینجا مسلماً مفهوم سلب مسئولیت مدنی، حقوقی و اخلاقی را بدنبال خواهد داشت و این چنین برداشتی، تبعاتی بمراتب خطرناکتر و نامقبول تر از مفهوم نسبی قلمداد کردن ارزش های اخلاقی برای جامعه بشری را در پی خواهد داشت (۳۶).

حتی اگر شواهد و قرائنی نشان دهنده آن باشند که زمینه ژنتیکی خاصی، موجب آمادگی بیشتری برای تمایل به ارتکاب اعمال ضداجتماعی می گردد (۲۶ و ۲۴ و ۲۱ و ۱۱–۸)؛ باید قویاً متذکر شد که وجود زمینه و آمادگی ژنتیکی قبلی به معنی تعیین سرنوشت وچهارچوب رفتاری از قبل تعیین شده نمی باشد و در عرصه زندگی و تعامل با مجموع عوامل پیرامونی در جامعه، فضای مانور وعملکرد وسیعی برای آموختن چگونگی رفتار با دیگران، رعایت متقابل حقوق و مسئولیت ها، کنترل اراده و تمایلات ومهار احساسات (خشم و نفرت و...) وجود دارد که از حیث پتانسیل تاثیر بر رفتار آدمی می تواند بر زمینه و آمادگی ژنتیکی قبلی موثر و یا حتی چیره شده و مسئولیت های اخلاقی، حقوقی، مدنی و اجتماعی و شهروندی را بعنوان یک حوزه وسیع لازم الرعایه مورد تاکید و اثبات قرار دهد (۳۶ و ۲۶ و ۲۳ و ۱۹).

۳- دفاعیه ژنتیکی و استدلال مخالفان

واقع مطلب آن است که بررسی ها و مطالعات موجود برای اثبات نقش نافذ و تعیین کننده «سرشت ژنتیکی» و «فرامین ژنتیکی» در زمینه کنترل و هدایت قطعی اراده، منش و شکل گیری شخصیت انسان، کافی، قانع کننده و قابل استناد قطعی علمی و حقوقی نمی باشند (۲۳-۲۲ و ۱۹ و ۱۲). استناد به شواهد ضمنی، قرائن پراکنده و غیر منسجم و امارات حاشیه ای و پیرامونی، برای نفی یا کم رنگ نمودن نقش اراده و اختیار انسانی در ارتکاب اعمال، با مشی عقل و عقلا و جوامع حقوقی و تربیتی سازگاری ندارد و با مصلحت عمومی و دراز مدت جامعه انسانی همخوانی ندارد (۱۴ و ۵). در این زمینه باید بسیار محتاط، دوراندیش و جامع الاطراف اندیشید، نظر داد، و عمل نمود زیرا ارجاع و حواله ریشه های افعال انسانی به هر سبب و علت غیرارادی، اساس روابط انسانی و اجتماعی را مخدوش می نماید و باعث به هم خوردن مجموعه نظامات اجتماعی عرفی و مانوسی می گردد که در طول همه زمانها و ما بین همه ملل و نحل، بصورت چهارچوب های تقریباً مشابه، مبنای مقبول و یا نامقبول شمرده شدن اعمال و رفتارهای انسانها شمرده شده اند. سعی در بهم زدن این چهارچوب ها و انتقال آنها به چهارچوب های جدید مشکوکی که مبنای شرعی، عقلی، عرفی و ارزشی ندارند؛ بسیار خطرناک و دارای تبعات چند سویه و غیر قابل کنترلی خواهد بود و ارکان حیات اجتماعی و تعامل مسئولانه ما بین آحاد اجتماع را برهم خواهد زد (۴ و ۱). صبر و حوصله علمی دراز مدت و بسیار نقادانه توام با ریزبینی و ظرافت بسیار زیادی لازم است تا مطالعات وسیع در مقیاس های کلان جمعیتی و آنهم بصورت چند باره و تکراری در زمینه نقش «سرشت ژنتیکی» و «فرامین ژنتیکی» در انجام اعمال بوسیله افراد انجام گیرد و سپس در

صورت انطباق نتایج این مطالعات در مورد نقش یک زمینه ژنتیکی خاص و ارتکاب یک «فعل خاص» و یا «تمایل به ارتکاب یک فعل خاص» می توان نسبت به سهم و تاثیر آن زمینه ژنتیکی درمورد انجام آن فعل خاص بحث و تبادل نظر نمود و تصمیم گیری کرد (۳۶ و ۲۳ و ۱۴ و ۱۲).

نتیجه

نتیجه ای که از این بحث می‌توان گرفت این است که اینجا ما بین وجود «رابطه وجوبی زمینه ژنتیکی با ارتکاب یک عمل» و «تمایل به ارتکاب عمل» باید تفاوت عمده ای قایل شویم زیرا حتی در صورت اثبات نقش ژنها به ایجاد «تمایل»، میدان دخالت اراده تعلیم و تربیت و اراده و تصمیم گیری فردی برای ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل وجود خواهد داشت (۲۱ و ۱۹ و ۱۴ و ۸ و ۵ و ۲) ضمن اینکه در صورت اثبات نقش ژنها و «سرشت ژنتیکی» برای تمایل به ارتکاب اعمال خاص، در مورد سهم و درصد نقش چنین زمینه ای نیز، حسب مورد، درباره افراد خاص و افعال خاص باید بحث و بررسی دقیق بعمل آید و صدور حکم کلی در این مورد شیوه ای عاقلانه و عالمانه محسوب نخواهد شد(۳۶ و ۲۵ و ۱۵ و ۱۲-۷ و ۲-۱).

منابع و مآخذ

1- Levitt M, Manson N. My genes made me do it? The implications of behavioural genetics for responsibility and blame. Health Care Anal. 2007 Mar;15(1):33-40.
2- Appelbaum PS. Behavioral genetics and the punishment of crime. Psychiatr Serv. 2005 Jan;56(1):25-7.
3- Urbaniok F, Hardegger J, Rossegger A, Endrass J. Neurobiological determinism: questionable inferences on human freedom of choice and forensic criminal responsibility .Fortschr Neurol Psychiatr. 2006 Aug;74(8):431-41.
4- Carey G, Gottesman II. Genes and antisocial behavior: perceived versus real threats to jurisprudence. J Law Med Ethics. 2006 Summer;34(2):342-51.
5- Baker LA, Bezdjian S, Raine A. BEHAVIORAL GENETICS: THE SCIENCE OF ANTISOCIAL BEHAVIOR. Law Contemp Probl. 2006;69(1-2):7-46.
6- Czerner F. The normative concept of guilt in criminal law between freedom of will and neurobiological determinism. Arch Kriminol. 2006 Nov-Dec;218(5-6):129-57.
7- Janssen PA, Nicholls TL, Kumar RA, Stefanakis H, Spidel AL, Simpson EM. Of mice and men: will the intersection of social science and genetics create new approaches for intimate partner violence? J Interpers Violence. 2005 Jan;20(1):61-71.
8- Illes J, Racine E. Imaging or imagining? A neuroethics challenge informed by genetics. Am J Bioeth. 2005 Spring;5(2):5-18.
9- Synofzik M. What happens in the brain of my patients? Neuroimaging and neurogenetics as ethical challenges in medicine .Dtsch Med Wochenschr. 2007 Dec;132(49):2646-9.
10- Marx J. Behavioral genetics. Evidence linking DISC1 gene to mental illness builds. Science. 2007 Nov 16;318(5853):1062-3.
11- Kelly BD. Structural violence and schizophrenia. Soc Sci Med. 2005 Aug;61(3):721-30.
12- Nuffield Council on Bioethics. Genetics and human behaviour: the ethical context--summary and recommendations. J Int Bioethique. 2003 Sep-Dec;14(3-4):171-92.
13- No authors listed. Murderers have rights too. New Sci. 1998 May 23;158(2135):3.

14- MacKellar C. Bioethics, genetics and mental disorders - a discussion. Biomed Ethics. 1998;3(2):44-8.
15- Mednick SA, Finello KM. Biological factors and crime: implications for forensic psychiatry. Int J Law Psychiatry. 1983;6(1):1-15.
16- Hatch OG. The burgeoning science of genetics and the impact on public policy. J Biolaw Bus. 2004;7(4):3-6.
17- Savulescu J, Hemsley M, Newson A, Foddy B. Behavioural genetics: why eugenic selection is preferable to enhancement. J Appl Philos. 2006;23(2):157-71.
18- Choi CQ. The genetics of politics. Sci Am. 2007 Nov;297(5):18, 21.
19- Abbott A. Behavioural genetics: a question of survival. Nature. 2007 Oct 4;449(7162):532-4.
20- Levy H, Packman W. Sexual abuse prevention for individuals with mental retardation: considerations for genetic counselors. J Genet Couns. 2004 Jun;13(3):189-205.
21- Lemonick MD. The search for a murder gene. Time. 2003 Jan 20;161(3):100
22- Stone RD. The cloudy crystal ball: genetics, child abuse, and the perils of predicting behavior. Vanderbilt Law Rev. 2003 Oct;56(5):1557-90.
23- Campbell E, Ross LF. Attitudes of healthcare professionals and parents regarding genetic testing for violent traits in childhood. J Med Ethics. 2004 Dec;30(6):580-6.
24- Crampton P, Parkin C. Warrior genes and risk-taking science. N Z Med J. 2007 Mar 2;120(1250):U2439.
25- Caplan AL, Magnus D. New life forms: new threats, new possibilities. Hastings Cent Rep. 2003 Nov-Dec;33(6):7.
26- Weiss MJ. Beware! Uncle Sam has your DNA: legal fallout from its use and misuse in the U.S. Ethics Inf Technol. 2004;6(1):55-63.
27- Jaffee SR, Caspi A, Moffitt TE, Polo-Tomas M, Price TS, Taylor A. The limits of child effects: evidence for genetically mediated child effects on corporal punishment but not on physical maltreatment. Dev Psychol. 2004 Nov;40(6):1047-58.
28- Bressler DD. Criminal DNA databank statutes and medical research. Jurimetrics. 2002 Fall;43(1):51-67.

29- Duster T. Lessons from history: why race and ethnicity have played a major role in biomedical research. J Law Med Ethics. 2006 Fall;34(3):487-96, 479.
30- Fishbein DH. Prospects for the application of genetic findings to crime and violence prevention. Politics Life Sci. 1996 Mar;15(1):91-4.
31- McCabe ER. Applications of DNA fingerprinting in pediatric practice. J Pediatr. 1992 Apr;120(4 Pt 1):499-509.
32- Friedland SI. The criminal law implications of the Human Genome Project: reimagining a genetically oriented criminal justice system. KY Law J. 1997-1998;86(2):303-66.
33- Adam D. Criminal courts 'should take genetics into account'. Nature. 2002 Oct 3;419(6906):422

۳۴- اردشیر لاریجانی، باقر, زاهدی فرزانه, اصغری فریبا، مجله دیابت و لیپید ایران .۱۳۸۴.
ویژه نامه (اخلاق در پژوهش های بالینی پزشکی) صص:۷۱-۸۲.

Ethical Dilemma of Genetically Defense Issue

Abdolhassan Kazemi[1]
Djamileh Malakoti[2]
Mahmoud Abbasi[3]

Abstract

The suggestion of individual blame for action is central to our idea of what it is to be a person. Behavioral genetic research may seem to call into question the idea of individual responsibility with probable implications for the criminal fairness scheme. These implications will depend on the understandings of a mixture of agencies and expert groups involved in responding to violent and anti-social behavior, and, the result of negotiations between them over resulting practice. The paper considers two kinds of approaches to the question of responsibility and 'criminal genes' arising from a sociological and philosophical perspective respectively. One is to consider the social context and possible practical implications of research into 'criminal genes' which will later be examined through interviews and discussions with a range of experts including lawyers and social workers. A second and different kind of approach is to ask whether the findings of behavioral genetics ought to have implications for attributions of responsibility. Issues of genetic influence are central to both approaches and therefore, this article would like to postulate that:

(1) Criminal behavior, especially chronic criminal behavior, seems to be partly genetically predisposed.

(2) An important task at this point is to attempt to determine the biological factors which predispose people to crime.

1- Associated Prof. of Biotechnology Research Center, NPMC, Hematology and Oncology Research Center, Medical Ethics & History Research Center, Tabriz Uni. of Med. Sci. Tabriz, Iran. Member of Medical Ethics & Law Research Center, Shahid Beheshti Uni. Tehran, Iran.
2- Instructor of Nursing and Midwifery Faculty, Tabriz Uni. of Med. Sci. Tabriz, Iran.
3- Professor of Medical Law, Shahid Beheshti University. Tehran, Iran.

(3) We have related some tentative initial steps being taken in the study of the autonomic nervous system as one possible heritable, biological basis for the failure of normal social learning forces in inhibiting criminal behavior. Early in this paper we discussed the tenability of asserting criminal responsibility on individuals whose criminal behavior has a partly genetic etiology. But this special consideration seems to set biological factors apart as being in some unique causal category. In fact, genetic, physiological, and biochemical factors are causal agents in the same sense as family, social class, or neighborhood factors. Of course, criminal behavior (like all other behavior) must be caused; one class of causal variables is the biological category. The legal doctrine of responsibility is not challenged by identifying biological factors as partially determining crime any more than it is by findings of social causation. Only in cases in which abnormal biological factors are exceptionally powerful influences might responsibility be challenged. Such cases will be quite rare.

Key Words: Violence genetic, Social responsibility, Ethics